

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

یادداشت پورتال:

منظومه انتقادی و کوبنده "قاضی شهر" به موقع به آدرس پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" رسیده بود، که نسبت اشتباه متصدی همان روز بخش "ادبی – فرهنگی" از نشر بموقع باز ماند. امیدواریم که استاد سخن، جناب فخرالشعراء "اسیر"، و خوانندگان گرانقدر پورتال این تقصیر را بر ما ببخشایند.

با محبت و ارادت

بخش "ادبی – فرهنگی" پورتال AA-AA

استاد محمد نسیم "اسیر"

25 جنوری 2012

قاضی شهر!!!

چندی قبل در نشرات کابل، از جمله تلویزیون طلوع، خبر تکان دهنده ای پخش شد، مبنی بر اینکه قاضی محکمه ولایت لوگر، بر دخترهفده ساله خردسالی که از نگاه دعوای شرعی تحت نظارتش قرار داده شده بود، با جبر و عنف، تجاوز جنسی نموده است. این خبر شرم آور، به یقین احساس همه وطنداران عزیز را چون من جریحه دار ساخته است. این اندوه عمومی را در شعری تبارز داده ام که بدین وسیله تقدیم میشود:

دلم تتگ است از انسان، به این رفتار حیوانی
سرم منگ است از کردار پراعجاب انسانی
گهی درنده خوتر از «پلنگ تیزدندانی»
گهی خونریزتر از گرگ، در شام زمستانی
گهی از خار ه سنگ دامن کهسار، سنگین تر
گهی چون شعله آتشفشان، در آتش افشانی
گهی سوزد، گهی ریزد، گهی خیزد، گهی ببزد
به نفس سرکش و امّاره، با افعال شیطانی
چو دیو هردم غریو آرد، چو دد افعال بد کارد
اگر در بوربای فقر، یا بر تخت سلطانی
کند قاضی شهر ما قدم بیرون ز عدل و داد
به بدبینی و بدکاری، به بدمستی و بدخوانی

به کفر دیگران صد آیه با تفسیر می خواند مگر خود دور از ارشاد نص پاک قرآنی
بریزد با شعار شرع آب روی عفت را کند آلوده مسند را به صد آلوده دامانی
بظاهر غرق در تقوی و پرهیز است و در باطن بود جانی تر از جانی، بود زانی تر از زانی
به این بی بند و باری های قاضی خنده می آید که در قید هوس گردیده، سر تا پای زندانی
باین تلخی شکایت چیست از قاضی «اسیر» آخر نمی فهمی که، آقا مرد نفسانیست و شهوانی

چه زیبا گفته شاعر این مسلمانان غافل را

«چو کفر از کعبه برخیزد، کجا ماند مسلمانی»

م. نسیم «اسیر» - فرانکفورت، 7 جنوری 2012 م